

پژوهشی در بوم‌شناسی انسانی بر حسب
عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی:
مقدمه‌ای بر گونه‌شناسی روستایی در
خوزستان
فرهنگ ارشاد* و عزیز حزباوی**

چکیده:

انگیزه اصلی تحقیق این بوده است که به کمک رهیافت‌های علم بوم‌شناسی انسانی، چشم‌اندازی برای توسعه بومی و متوازن در منطقه خوزستان بیابیم. به نظر می‌رسد انجام این گونه پژوهش‌های آمایشی و مسئله‌یاب، کوششی ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای تدوین راهبردهای توسعه بومی است. هدف ویژه تحقیق، فراهم کردن زمینه‌ای برای گونه‌شناسی روستاهای خوزستان است. از آنجا که امکانات و موانع و استعدادها و نیازهای مناطق مختلف روستایی خوزستان همسان و هم‌وزن نیست، نمی‌توان برای توسعه متوازن روستایی در منطقه از الگوی واحدی استفاده کرد. از سوی دیگر، چون هنوز ره‌آوردهای علمی و فناوری به حد کافی و بومی به روستا راه نیافته است، عوامل طبیعی و اقلیمی می‌تواند تأثیری عمده بر زندگی اجتماعی در روستا داشته باشد. از این رو، به نظر می‌رسد شناخت امکانات و نیازهای اقلیمی (ترکیبی از عوامل فرهنگی و طبیعی) و گونه‌شناسی و یا سنخ‌شناسی¹ و رده‌بندی روستاها پیش‌نیاز تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه بومی و متوازن باشد.

مفاهیم کلیدی: بوم‌شناسی انسانی، زیست‌بوم، سنخ‌شناسی روستایی، گونه‌شناسی روستایی، شرایط اقلیمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز
** مربی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز

¹typology

مقدمه

زندگی اجتماعی درخوزستان پیشینه تاریخی چند هزار ساله دارد. برای نمونه، سابقه تاریخی شهر شوش را تا دوره میان سنگی یا نوسنگی ریشه یابی کرده اند. حتی افسانه وار گفته می شود این شهر پس از طوفان نوح به وسیله شوش بن سالم، فرزند نوح بنا شده است (امام شوشتری، ص ۲۲۱). طبق آثاری که در پژوهش های باستان شناسی در حومه اندیمشک به دست آمده است، سابقه زندگی اجتماعی، به صورت شبانی را به ۸۰۰۰ سال پیش تخمین زده اند (امان الهی، ص ۲۷-۲۸). آثار باقیمانده از دوران حکومت عیلامی، جنبه های بارز از زندگی سازمان یافته مربوط به هزاره های چهارم و سوم پیش از میلاد در این منطقه را نشان می دهد (هینتس، ص ۳۰). اضافه می نماید که سه الگوی زندگی اجتماعی شهرنشینی، روستا نشینی و کوچروی، هر سه تاریخی طولانی در این منطقه دارند.

بدیهی است این سه نوع زندگی اجتماعی همواره پیوندهای ساختاری متقابل و تنگاتنگ با یکدیگر داشته و تحولات کلی زندگی در خوزستان متأثر از روابط متحول بین این سه الگوی اجتماعی-زیستی در منطقه بوده است.

استان خوزستان که حدود ۶۴۷۴۶ کیلومتر مربع وسعت دارد، طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ شامل ۱۶ شهرستان، ۲۸ شهر، ۳۶ بخش، ۱۱۴ دهستان و ۶۵۷۳ آبادی است و ۶۹/۵ درصد کل آبادی های استان را روستاها تشکیل می دهند. یادآور می شود که منظور از روستا (ده)، مجموعه ای مسکونی است که در سرشماری سال ۱۳۷۵ با این عنوان و با کد ویژه در مدارک آماری ثبت شده است. جدول شماره (۱) تعداد آبادی ها و روستای های خوزستان را طبق سرشماری های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ به مقایسه نشان می دهد. چنان که مشاهده می شود، تعداد آبادی ها طی ۲۰ ساله مزبور از ۴۴۰۸ به ۶۵۷۳ واحد رسیده است که افزایشی معادل ۴۹ درصد را نشان می دهد. عمده این تغییرات ناشی از افزایش مزارع و نقطه های کوچک مسکونی است که به طور متعارف و طبق موازین علمی منطقی نمی تواند «روستا» به شمار آید. به عبارت دیگر، طی ۲۰ سال یاد شده، تعداد روستاها از ۴۲۱۳ به ۴۵۷۲ واحد رسیده و افزایشی معادل ۸/۵ درصد داشته است. برخی از عوامل مؤثر بر تغییرات کمی (جمعیت و تعداد) روستاها در خوزستان طی ۲۰ ساله مزبور عبارتند از:

۱- در شهرستان هایی مانند ماهشهر که به دلیل مساعد نبودن وضعیت بخش عمده ای از زمین های کشاورزی، فعالیت های صنعتی، خدماتی و صید، وجه غالب فعالیت های اقتصادی آن ها را تشکیل می دهد. این وضعیت باعث کاهش اهمیت روستاها، در حیات اقتصادی و در نتیجه، کاهش نسبی آن ها در کل آبادی های شهرستان شده است. کمی

تعداد روستاها در واحد سطح نسبت به شهرستان‌های دیگر استان بر روی نقشه خوزستان به روشنی قابل مشاهده است. از سوی دیگر، در شهرستان‌هایی مانند ایذه، باغملک و دزفول، به دلیل عمده بودن فعالیت کشاورزی و باغداری، تعداد روستاها به طور نسبی افزایش یافته است.

۲- افزایش روستاها در ایذه، باغملک و مسجدسلیمان، قسمتی هم به دلیل عشایری بودن منطقه و اسکان عشایر کوچرو در این مناطق است که گاهی به تشکیل روستاهای جدید انجامیده است. چنان که جدول شماره (۱) نشان می‌دهد، در این شهرستانها، تعداد روستاها به طور نسبی خیلی بیش از مزارع و مکان‌های مسکونی (واحد‌های اقتصادی غیر شهری) است، ولی در ماهشهر وضعیت برعکس شهرستانهایی مانند ایذه و باغملک است.

۳- موضوع دیگری که در همین زمینه قابل توجه است این که خوزستان، منطقه زمستانگاهی (قشلاق) بخش عمده‌ای از عشایر مرکزی ایران است؛ طوایف کوچرو بختیاری (لر بزرگ)، لر لرستان (لر کوچک) و خانوارهایی از عشایر ترک قشقایی از این جمله‌اند. عشایر بختیاری که پرجمعیت‌ترین اتحادیه عشایری کوچرو ایران را تشکیل می‌دهند، حدود ۶ ماه، از سال (اواخر مهر تا اواخر فروردین) را در خوزستان سپری می‌کنند. بدیهی است در مدتی از سال که در این استان نیستند، برخی روستاها کم جمعیت و حتی خالی از سکنه می‌شود. سرشماری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ نشان داد که ۸۲/۵ درصد از روستاهای خالی از سکنه استان در مسجدسلیمان، دزفول، ایذه و باغملک قرار داشته، که از یک سو بیشترین روستاها به طور نسبی در این مناطق قرار دارند، و از سوی دیگر، زمستانگاه طوایفی از عشایر هفت لنگ و چهارلنگ بختیاری است.

۴- افزایش بعضی امکانات زیربنایی مانند توسعه شبکه راهها، برق و افزایش خانه‌های بهداشت تا اندازه‌ای باعث بهبود شرایط زندگی در روستاها شده است. با وجود این، تفاوت فاحش در شرایط زندگی و سطح کیفی توسعه بین روستا و شهر، همچنان موج برون کوچی از روستا ادامه دارد. گو این که احتمال دارد شدت سال‌های دهه ۱۳۵۰ را نداشته باشد (فرضیه‌ای که می‌تواند در تحقیق عملی جداگانه‌ای بررسی شود).

۵- گسترش فعالیت‌هایی مانند مرغداری، دامداری و کشاورزی مکانیزه که عموماً از سوی سرمایه‌گذاران شهرنشین صورت گرفته، امکان رشد نسبی اقتصادی در برخی مناطق خارج از محدوده شهری را فراهم کرده، در این امر ممکن است به طور بالقوه از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی، امواج برون کوچی از روستا را کاهش داده و نیز دامنه روابط ساختاری بین شهر و روستا را گسترش دهد. ولی چون فعالیت‌های فوق، نیروی انسانی قابل توجهی را به کار نمی‌گیرد، و احتمالاً در خارج از محدوده روستا ایجاد شده، شاید تعداد اندکی

روستا از آن برخوردار شوند، و از این رو، تأثیر گسترده ای در بهبود اقتصادی روستا و آرام کردن امواج برون کوچی از این منطقه را نداشته است.

طرح مسأله و موضوع تحقیق

زیست بوم مردمی که در استان خوزستان زندگی می کنند، در مقایسه با بعضی استان های دیگر کشور، دارای تنوع اقلیمی (طبیعی و فرهنگی) بیشتری است. مناطق شرق و شمال شرقی استان را کوه های زاگرس پوشانده است و آب و هوای معتدلی دارد. قسمت دیگر که حدود ۷۵ درصد سطح استان را تشکیل می دهد، جلگه ای و بخش کوچکی از آن باطلاقی یا سرزمین های مشرف به هور و یا ساحلی است. بدیهی است زندگی در جلگه و مناطق باطلاقی، ناحیه ای مانند شادگان، شرایط ویژه خود را دارد که با زندگی در مناطق کوهستانی اطراف ایذه و مسجدسلیمان متفاوت است. تفاوت زیست بوم های مختلف استان خوزستان، فقط متأثر از شرایط طبیعی نیست، بدیهی است شرایط متفاوت طبیعی، رفتار اقتصادی و شیوه های تولیدی را که عموماً سنتی هستند تحت تأثیر قرار داده است. ولی تفاوت های فرهنگی، که تا اندازه ای با تقسیم کلی استان به دو منطقه کوهستانی و جلگه ای موازی است، تمایز اقلیمی را بارزتر کرده است.

تفاوت در کیفیت و ترکیب خاک، تفاوت مناطق مختلف (ایذه ۷۹۰ متر و آبادان و ماهشهر ۶ متر از سطح دریا)، تفاوت درجه حرارت که معمولاً بین سردترین و گرمترین نقطه در یک روز واحد به ۲۰ درجه سانتیگراد می رسد، همچنین تفاوت در چگونگی دسترسی به آب و دیگر امکانات طبیعی، شرایط متفاوتی را ایجاد کرده که اگر با تفاوت های فرهنگی آمیخته شود، این نکته روشن می شود که برای توسعه مناطق روستایی نمی توان از یک الگو یا سناریوی واحد استفاده کرد. بنابراین، موضوع این تحقیق مروری بر شرایط جامعه زیستی در روستاهای استان خوزستان و شناسایی بعضی ویژگی های اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی در این شیوه زندگی است، تا شاید بتوان با بررسی دقیق تر عوامل و عناصر این نوع زندگی، زمینه لازم برای تدوین راهبردهای بهینه توسعه بومی روستایی در این استان را فراهم کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول (۱): روند تغییرات آبادی ها و روستا ها در استان خوزستان بر حسب شهرستان

شهرستان	سال ۱۳۷۵				سال ۱۳۵۵			
	جمع	ده	مکان	مزرعه	جمع	ده	مکان (مستقل و تابع)	مزرعه (مستقل و تابع)
آبادان	۱۰۶	۶۵	۳۵	۶	۸۲	۸۰	۲	-
اندیمشک	۴۸۵	۱۷۶	۹۱	۲۱۸	۲۰۳	۱۸۹	۹	۵
اهواز	۶۳۳	۳۹۵	۱۸۲	۵۶	۴۳۶	۳۹۴	۲۹	۱۳
ایذه	۶۳۲	۵۶۴	۲۳	۴۵	۵۳۹	۵۳۳	۳	۳
باغملک	۳۵۶	۳۱۴	۱۳	۲۹	۲۵۵	۱۹۳	۳۰	۲
بندرماهشهر	۲۴۵	۸۴	۹۹	۶۲	۱۶۹	۱۵۳	۴	۱۲
بهبهان	۲۸۷	۱۹۱	۳۷	۵۹	۱۹۵	۱۸۹	۵	۱
خرمشهر	۱۳۱	۱۰۴	۱۹	۸	۱۰۱	۹۷	۱	۳
دزفول	۷۴۵	۵۳۵	۵۹	۱۵۱	۳۱۷	۳۰۱	۷	۹
دشت آزادگان	۲۷۴	۱۷۰	۳۴	۷۰	۱۹۵	۱۸۳	۴	۸
رامهرمز	۵۵۲	۳۷۰	۹۰	۹۲	۴۰۲	۳۹۴	۷	۱
شادگان	۲۲۳	۱۸۵	۲۱	۱۷	۱۶۷	۱۶۶	۱	-
شوش	۲۸۹	۱۸۲	۵۶	۵۱	۱۹۸	۱۸۳	۶	۹
شوشتر	۳۶۰	۲۱۸	۸۴	۵۸	۲۳۹	۲۲۹	۴	۶
مسجدسلیمان	۱۱۱۸	۹۴۳	۲۷	۱۴۸	۹۴۰	۹۲۹	۱۰	۱
کل استان	۶۵۷۳	۴۵۷۲	۹۲۰	۱۰۸۱	۴۴۰۸	۴۲۱۳	۱۲۲	۷۳

مأخذ: مرکز آمار ایران سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن و نتایج سرشماری عمومی ۱۳۷۵

روش تحقیق

میدان تحقیق برای مشاهده و جمع آوری اطلاعات، نمونه ای ۴ درصدی از روستاهای خوزستان است که جمعیت آنها از ۶ خانوار و بیشتر می باشد. از آنجا که در تحلیل های بوم شناسی انسانی، اجتماع و استقرار مکانی آن عامل بنیادی به شمار می آید، نمونه گیری نیز بر این پایه انجام گرفت. ترکیب نمونه، بر پایه جمعیت و استقرار مکانی در جدول شماره (۲) نشان داده شده است. نمونه گیری به روش خوشه ای سیستماتیک انجام شده و کلیه روستا های شامل ۶ خانوار و بیشتر در ۵ طبقه تقسیم و از هر طبقه ۲۵ روستا به طور تصادفی انتخاب شده است. برای تعیین مرز طبقات از قاعده \sqrt{F} استفاده کرده ایم. برای این کار روستاهای خوزستان و به تبع آن روستاهای نمونه، بر پایه جمعیت خانوار به ۵ طبقه تقسیم شد: طبقه اول ۶-۱۳ خانوار، طبقه دوم ۱۴-۲۷، طبقه سوم ۲۸-۴۵، طبقه چهارم ۴۶-۸۴ و طبقه پنجم روستاهای ۸۵ خانوار و بیشتر را شامل می شده است.

روش جمع آوری اطلاعات، مشاهده ای بوده، و برای این منظور سه فرم جدول مربوط به عوامل اقلیمی - جمعیتی اقتصادی؛ و اجتماعی - فرهنگی تنظیم نموده و داده های لازم در آنها ثبت، و سپس شاخص هایی را در این رابطه استخراج و در توصیف و تجزیه و تحلیل داده ها از آنها استفاده کرده ایم. مهمترین شاخص های مندرج در جداول فوق عبارت بوده اند از:

۱- شاخص های اقلیمی و بوم شناختی: موقعیت جغرافیایی (کوهستانی - جلگه ای)، نحوه پراکندگی واحدهای مسکونی، جمعیت روستا، فاصله روستا تا شهر و جاده اصلی، نوع مصالح به کار رفته در واحدهای مسکونی و ...

۲- شاخص های اقتصادی: نوع فعالیت تولیدی در روستا، نحوه تهیه آب زراعی، روش های تولید

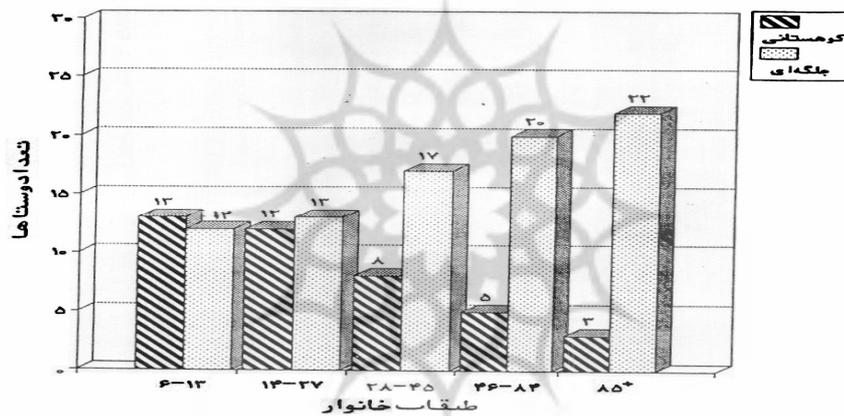
۳- شاخص های اجتماعی: تعداد خانوار، جمعیت باسواد، شاغل، بیکار، تأسیسات و امکانات رفاهی - اجتماعی ...

برای تکمیل جداول فوق از نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ و نیز اطلاعات موجود در آرشیو جهاد سازندگی خوزستان و کارشناسان آن سازمان و مشاهدات شخصی استفاده شده است. اطلاعات جمع آوری شده پس از بازنگری و استخراج داده ها، به کمک نرم افزار SPSS داده پردازی شده و سپس به توصیف نمونه و تجزیه و تحلیل داده ها پرداختیم.

۴- بعضی نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها: چنانکه اشاره شد جمعیت نمونه این پژوهش شامل ۱۲۵ واحد روستا در سراسر استان خوزستان بوده که ۴۱ واحد در مناطق کوهستانی (نزدیک به ۳۳ درصد) و ۸۴ روستا (۶۷ درصد) در منطقه جلگه ای خوزستان

قرار داشته است. بر اساس بررسی جمعیت ساکن در روستاهای نمونه، میانگین تعداد خانوار در یک روستای خوزستان معادل $73/2$ واحد است. در صورتی که میانگین تعداد خانوار در یک روستای منطقه کوهستانی $36/3$ و در روستای جلگه ای $94/9$ واحد می باشد. مشاهده می‌کنیم که میانگین جمعیت در روستای منطقه جلگه ای نزدیک به سه برابر میانگین جمعیت در یک روستای متوسط منطقه کوهستانی است. اضافه می‌نماید که بر اساس نمونه‌گیری تحقیق، میانگین بعد خانوار در روستای منطقه کوهستانی و منطقه جلگه ای تفاوت زیادی نداشته است، (میانگین بعد خانوار در کل استان $6/3$ نفر بوده). از این رو، با وجودی که تعداد روستاهای مناطق کوهستانی $32/8$ درصد کل روستاهای استان و سطح منطقه کوهستانی ۲۵ درصد سطح کل استان است، برآورد می‌شود که ۱۷ درصد جمعیت روستایی استان در این منطقه زندگی می‌کنند. نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد که تعداد خانوار در روستاهای کوهستانی کمتر از روستاهای منطقه جلگه ای است.

نمودار (۱) پراکندگی جمعیت روستاهای خوزستان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول (۲): توزیع واحدهای نمونه بین شهرستانهای استان

شهرستان	طبقه (۱) ۱۳-۶ خانوار	طبقه (۲) ۲۷-۱۴ خانوار	طبقه (۳) ۴۵-۲۸ خانوار	طبقه (۴) ۸۵-۴۶ خانوار	طبقه (۵) ۸۵ خانوار و بیشتر	n نمونه	کل جمعیت روستا N در استان
آبادان	-	-	-	۱	۱	۲	۵۶
اندیمشک	۲	۱	۱	۴	-	۸	۱۱۴
اهواز	۲	-	-	۳	۴	۹	۳۲۳
ایذه	۱	۶	۵	۴	۳	۱۹	۳۹۱
باغملک	۳	۱	-	۱	-	۵	۲۱۱
بندر ماهشهر	۱	-	-	۱	۱	۳	۱۰۷
بهبهان	-	۲	۲	-	-	۴	۱۵۳
خرمشهر	-	-	۱	-	-	۱	۵۸
دزفول	۳	۱	-	۱	۴	۹	۲۱۳
دشت آزادگان	۱	۱	۱	۱	۱	۵	۱۰۲
رامهرمز	۳	۲	۳	۲	۴	۱۴	۳۲۳
شادگان	۱	۲	۳	۳	۱	۱۰	۱۵۷
شوش	-	۲	۲	۲	۴	۱۰	۱۶۰
شوشتر	۱	۲	۱	۲	۱	۷	۱۹۰
مسجد سلیمان	۷	۵	۶	-	۲	۱۹	۵۱۴
جمع	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	n=۱۲۵	N=۳۰۷۲

۴-۱- شبکه ارتباطی و استقرار مکانی روستاها: داده های جمع آوری شده نشان میدهد که بین روستاهای مناطق کوهستانی و جلگه ای از نظر دسترسی به نزدیکترین جاده اصلی آسفالتی تفاوت معنی داری وجود دارد. جدول های (۳ و ۴) بیانگر این واقعیت است.

جدول (۳): فاصله روستا از جاده اصلی (به کیلومتر)

مناطق	تعداد	میانگین فاصله	انحراف معیار	اشتباه انحراف از معیار
کوهستانی	۴۱	۱۹/۵۲	۳۴/۹۷	۵/۴۶
جلگه ای	۸۴	۷/۲۴	۱۰/۸۰	۱/۱۸

جدول فوق نشان می دهد که میانگین فاصله روستا تا جاده اصلی در مناطق کوهستانی نزدیک به ۲۰ کیلومتر و در مناطق جلگه ای اندکی بیش از ۷ کیلومتر است.

جدول (۴): آزمون نمونه‌های مستقل، فاصله روستا تا جاده اصلی t (آزمون)

با فرض برابری توزیع و واریانسها	t	درجه آزادی	میزان معنی‌داری دوطرفه	اختلاف میانگین	اشتباه معیار	۹۵٪ فاصله اطمینان اختلاف میانگین	
						پایین تر	بالا تر
	۲/۹۵۳	۱۲۳	۰/۰۰۴	۱۲/۲۰۸۲	۴/۱۵۸۷	۴/۰۴۸۳	۲۰/۵۱۲۰
با فرض نابرابری توزیع واریانسها	۲/۱۹۸	۴۳/۷۶۹	۰/۰۲۳	۱۲/۲۸۰۲	۵/۵۸۷۳	۱/۰۱۷۰	۲۳/۵۴۲۳

به این ترتیب، آزمون t ثابت می‌کند که بین روستاهای منطقه کوهستانی و جلگه‌ای بر حسب دسترسی به جاده اصلی آسفالت‌ده در سطح معنی‌داری (۰/۰۵) < α تفاوت وجود دارد. همین آزمون بر حسب فاصله روستاها تا نزدیکترین نقطه شهری انجام شد و نتیجه فوق را تأیید کرد. اضافه می‌نماید که دورترین فاصله روستا به اولین مرکز شهری مربوط به روستای «نمره ۱۱» در مسجدسلیمان (۳۰۰ کیلومتر تا نزدیکترین نقطه شهری) و حداکثر فاصله تا جاده اصلی مربوط به روستای «دره خشک حاتموند» در دزفول (۱۵۹ کیلومتر) بوده که هر دو در منطقه کوهستانی استان قرار دارند.

۴-۲- پراکندگی و تمرکز واحدهای مسکونی: داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که در بخش عمده‌ای از خوزستان، استقرار سکونتگاهها در روستا بیشتر به حالت متمرکز است، و فقط حدود ۱۱ درصد روستاها از نوع سکونتگاهی غیرمتمرکز می‌باشد. جدول شماره (۵) وضعیت پراکندگی و تمرکز سکونتگاهی در مناطق کوهستانی و جلگه‌ای را نشان می‌دهد.

جدول (۵): توزیع روستاها در مناطق کوهستانی و جلگه‌ای بر حسب بافت متمرکز و غیر متمرکز

مناطق	نحوه پراکندگی		جمع
	متمرکز	غیرمتمرکز	
کوهستانی	۳۳	۸	۴۱
جلگه‌ای	۷۸	۶	۸۴
جمع	۱۱۱	۱۴	۱۲۵

از جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود که از ۴۱ روستا واقع در مناطق کوهستانی ۳۳ واحد از نوع سکونتگاهی متمرکز و ۸ روستا پراکنده بوده و از ۸۴ روستای واقع در مناطق جلگه‌ای ۷۸ واحد از نوع متمرکز و ۶ روستا از نوع غیرمتمرکز بوده است.

با آزمون مربع خي χ^2 کمیت های زیر به دست آمده است:

$$\chi^2 = 4 / 239$$

$$d.F. = 1$$

$$sig(2Sided) = 0 / 04$$

$$phi \text{ value} = 0 / 184$$

آزمون مربع خي نشان می دهد که بين موقعیت جغرافیایی (کوهستانی- جلگه ای) و وضعیت تمرکز و عدم تمرکز سکونتگاهی رابطه معنی دار ضعیفی وجود دارد، و شدت همبستگی بين دو متغیر نشان دهنده رابطه معکوس بين جمعیت و پراکندگی است. بدین معنی که در مناطق کوهستانی، با وجودی که به طور نسبی و متوسط، جمعیت روستا کمتر است، میزان پراکندگی بیشتر است. احتمال دارد این وضعیت تا اندازه ای هم مربوط به عشایری بودن بسیاری از روستاهای کوهستانی و اشتغال به دامداری و پراکندگی مراتع باشد.

۳-۴- برخورداری روستاها از امکانات رفاهی- اجتماعی: مدرسه و سایر ابعاد آموزشی از شاخص های مهم توسعه انسانی به شمار می آیند. داده های موجود نشان می دهد که نزدیک به ۷۰ درصد از روستاهای خوزستان از وجود مدرسه برخوردار هستند. در جدول شماره (۶) توزیع درسه بين مناطق روستایی نشان داده شده است. آزمون مربع خي نشان می دهد که به احتمال قوی توزیع مدرسه بين مناطق کوهستانی و جلگه ای خوزستان یکسان است.

جدول (۶): توزیع مدرسه در مناطق روستایی خوزستان

مناطق	مدرسه وجود دارد	مدرسه وجود ندارد	جمع
کوهستانی	۲۸	۱۳	۴۱
جلگه ای	۵۹	۲۵	۸۴
جمع	۸۷	۳۸	۱۲۵

$$\chi^2 = 4 / 239$$

$$d.F. = 1$$

$$sig(2Sided) = 0 / 04$$

$$phi \text{ value} = 0 / 184$$

در مورد خانه بهداشت، با وجودی که فقط ۲۰/۸ درصد روستاهای خوزستان از خانه بهداشت برخوردار هستند، ولی در این باره هم آزمون مربع خی نشان می‌دهد که بین روستاهای مناطق جلگه ای و کوهستانی از نظر توزیع خانه بهداشت، تفاوت مهمی وجود نداشته و تقریباً به طور یکسانی بین آنها توزیع شده است. همین نتایج نیز در مورد توزیع شوراهای اسلامی و تعاونی های روستایی به دست آمده است.

۴-۴- نیروی انسانی و فعالیت های اقتصادی: چنانکه پیش از این اشاره شد، میانگین بعد خانوار در روستاهای کوهستانی و جلگه ای تفاوت بارزی نداشته و هر دو نزدیک به میانگین بعد خانوار در کل جمعیت روستایی استان بوده است. این مبنایی برای یکسانی کمیت نیروی انسانی در یک اقتصاد معیشتی است. به دنبال این وضعیت، بین روستاهای مناطق جلگه ای و کوهستانی بر حسب جمعیت ۶ ساله و بیشتر و همچنین از جهت جمعیت باسواد ۶ ساله به بالا (با احتمال بحرانی) تفاوت مهمی مشاهده نشده است. بنابراین، گرچه به دلایل تاریخی، تمایز اقلیمی روستاها با تمایز قومی مردمی ساکن در این مناطق توازی چشم گیری دارد، (روستاهای کوهستانی بیشتر سکونتگاه قوم لر و بخش عمده ای از روستاهای منطقه جلگه ای سکونتگاه قوم عرب است) و شایعاتی درباره تفاوت نرخ باروری و فرهنگی وجود دارد، ولی شرایط عینی و ذهنی کمابیش یکسان باعث شده که بر اساس داده های آماری و تجزیه و تحلیل آنها، تفاوت بارزی از این نظر مشاهده نشود. جدول (۸ و ۷) چگونگی توزیع جمعیت باسواد ۶ ساله و بیشتر و تفاوت احتمالی توزیع آنها بین روستاهای مناطق کوهستانی و جلگه ای را نشان می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌شود، نتایج آزمون t روشن می‌سازد که از نظر توزیع جمعیت باسواد ۶ ساله و بیشتر بین روستاهای مناطق کوهستانی و جلگه ای تفاوت بارزی وجود ندارد.

جدول (۷): توزیع میانگین جمعیت باسواد ۶ ساله و بیشتر در روستاهای خوزستان

مناطق	تعداد روستا	میانگین جمعیت باسواد ۶ ساله به بالا	انحراف معیار	اشتباه انحراف معیار
کوهستانی	۴۱	۱۷۹/۴۹	۱۸۷/۱۲	۲۹/۱۰
جلگه ای	۸۴	۴۵۷/۰۱	۹۵۸/۲۵	۹۹/۱۰

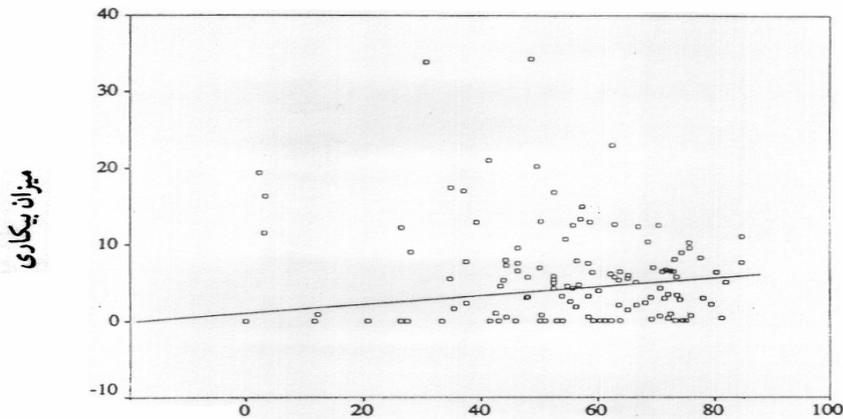
جدول (۸): نتایج آزمون t درباره توزیع جمعیت باسواد ۶ سال به بالا در مناطق روستایی

	T	درجه آزادی	میزان معنی داری دو طرفه	اختلاف میانگینها	اشتباه انحراف معیار	۹۵٪ فاصله اطمینان اختلاف میانگینها پایین تر بالاتر
با فرض برابری توزیع واریانس ها	۱/۸۴۱	۱۲۳	۰/۶۸	۲۰۳/۲۶	۱۱۶/۴۳	۱۵/۳۳ ۴۲۱/۵۸
با فرض نابرابری توزیع واریانس ها	۲/۵۵۹	۹۶/۲۳۸	۰/۰۱۲	۲۰۳/۲۶	۷۹/۴۴	۴۵/۵۸ ۳۶۰/۹۳

در مورد وضعیت اشتغال و بیکاری این نتیجه به دست آمده که گرچه بر حسب میزان جمعیت شاغل، ظاهراً تفاوت اندکی بین دو دسته روستا وجود دارد، اما از نظر بیکاری تفاوت مهمی مشاهده نشده است. از نظر میزان جمعیت شاغل، تفاوت موجود شاید به دلیل کشاورزی دیم در روستاهای کوهستانی و کوهپایه ای و تفاوت در دسترسی به آب و کیفیت خاک در این منطقه باشد. همچنین رواج گسترده تر فعالیت دامداری در روستاهای کوهستانی (و انجام برخی فعالیت های دامداری در منزل)، مبهم بودن مرزهای اشتغال و بیکاری را بیشتر کرده است. از سوی دیگر، درباره مفهوم بیکاری، در ذهنیت مردم روستایی و کارشناسان متخصص جمعیت شناسی، فهم مشترکی وجود ندارد. به علاوه به دلیل این که مشاغل تولیدی در روستا، هنوز غالباً به طور سنتی انجام می گیرد، رابطه مهمی بین سواد و بیکاری و نیز تفاوتی از این نظر در دو دسته روستا مشاهده نشده است. زیرا هنوز تجارب لازم برای این مشاغل بر اساس روش های سنتی است و نسل به نسل منتقل می شود، و اگر هم شاغلین سوادی داشته باشند، در کیفیت کار تأثیر چندانی نداشته و انگیزه ای را برای تحول و نوآوری ایجاد نمی کند. وانگهی منبعی هم برای بالا بردن سطح آگاهی آنها وجود ندارد. نمودار شماره (۲) رابطه سواد و بیکاری را نشان می دهد.

چنانکه در نمودار (۴-۱) مشاهده می‌شود، خط رگرسیونی همبستگی بین سواد و بیکاری شیب بسیار اندک داشته و به افقی بودن نزدیک است.

نمودار (۴-۱) رابطه سواد و بیکاری



علاوه بر این، کوشش داشتیم فعالیت تولیدی غالب را در این دو دسته روستا به گونه‌ای روشن کنیم. اما در ضمن جمع‌آوری اطلاعات، مشاهده شد که این کار به ظاهر ساده، نیاز به تحقیق جداگانه‌ای در زمینه اشتغال نیروی انسانی دارد. بخش عمده‌ای از این وضعیت متأثر از اقتصاد معیشتی- سنتی است، بویژه این که در همه روستاها آمیزه‌ای از فعالیت کشاورزی و دامداری رواج دارد. همچنین، فعالیت کشاورزی شامل ترکیبی از انواع فعالیت‌های کشت زمستانی و تابستانی، آبی و دیم، و زراعت و باغداری است و وضعیت دامداری هم به همین ترتیب، از کسی که یک رأس گاو در خانه دارد تا آن که گله‌دار است همه خود را در دامداری سهیم می‌دانند. علاوه بر این‌ها، در بعضی روستاها فعالیت‌هایی از قبیل پرورش زنبور عسل یا کار در کارخانه‌های محلی و یا در روستاهای نزدیک شهر، اشتغال در کارهای روزمزدی شهر و نیز در روستاهای ساحلی، کار صید از جمله فعالیت‌هایی است که باید در تحقیقی جداگانه درباره اشتغال، در روستا مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه گیری

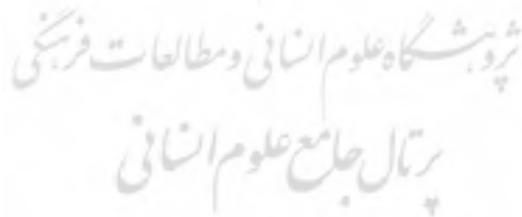
پژوهش حاضر نشان می دهد که به تبع موقعیت جغرافیایی، زیست بومهای انسانی کاهش متفاوتی در استان خوزستان به وجود آمده و مناطق روستایی استان هم به نوبه خود تحت تأثیر این شرایط قرار دارند. از آنجا که دانش فنی و دستاوردهای علمی (نوگرایی) در حد مناسب و گسترده ای به روستا راه نیافته است، نیروهای طبیعی و اقلیمی و همچنین عناصر فرهنگی باقی مانده از قرون و اعصار گذشته (که روی هم رفته زیست بوم انسانی را می سازد) هنوز در زندگی اجتماعی مردم روستا، به طور بنیادی تأثیر دارد. استقرار رشته کوه های زاگرس در شمال شرقی و سراسر شرق استان، گستره آب های خلیج فارس در سراسر جنوب و جنوب غربی، و جلگه وسیع خوزستان در این میان، اقلیم طبیعی این منطقه را به وجود آورده و به تبع آن روستاهای خوزستان در مناطق کوهستانی، جلگه ای، و اندکی هم در نواحی ساحلی پراکنده شده اند. در این تحقیق، روستاهای مستقر در مناطق کوهستانی و جلگه ای بازنگری شده و رابطه عوامل بوم شناختی و بعضی معرف های زندگی اجتماعی بررسی شده است. بدیهی است هر روستا به اقتضای استقرار مکانی، شرایط اقتصادی و اجتماعی ویژه خود را پیدا کرده و امکانات و موانعی که حاصل شرایط اقلیمی است، کیفیت و درونۀ زندگی اجتماعی روستا را تحت تأثیر قرار داده است. ولی چنانچه راهبردهای توسعه به طور واقع بینانه و سنجیده به کار گرفته شود، عوامل اقلیمی و بویژه شرایط طبیعی اهمیت دیرین خود را از دست می دهند. برای نمونه چون مدرسه در حد نسبتاً رضایت بخش و به طور یکنواخت در مناطق روستایی (۷۰ درصد روستاها) توزیع شده، با وجود تفاوت های طبیعی و فرهنگی و اختلاف زبانی، پیامدهای مستقیم آن تفاوت چندانی نداشته، چنانکه توزیع جمعیت باسواد در مناطق کوهستانی و جلگه ای تفاوت معنی داری را نشان نمی دهد. از سوی دیگر، چون امکانات ارتباطی بویژه شبکه راهها، به طور یکنواخت در دسترس روستاییان نیست، پیامدهای متفاوتی به بار آورده و خواهی نخواهی دسترسی مردم روستایی دو منطقه مورد نظر، به امکانات شهری مانند، بیمارستان و برخورداری از توزیع نهاده های کشاورزی یکسان نخواهد بود. همچنین احتمال دارد توزیع خانه های بهداشت (که تقریباً ۲۱ درصد روستاها از آن برخوردار بوده اند)، بیشتر شامل روستاهایی شده که از نظر ارتباط جاده ای بیشتر در دسترس هستند. بنابراین، برای اعمال یک برنامه توسعه بومی و متوازن، لازم است به کمک یافته های چنین پژوهش هایی، نخست به سنخ شناسی (typology) روستاها پرداخت، آنگاه توسعه مناسب، با شرایط اقلیمی برای هر سنخ را تدوین و اجرا نمود.

فهرست منابع

- امان الهی، سکندر (۱۳۶۰). کوچ نشینی در ایران، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- امام شوشتری، محمدعلی. تاریخ جغرافیایی خوزستان، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۳۱.
- زرفروشان، احد. جامعه‌شناسی روستایی «تیپ‌شناسی روستایی»، تبریز: انتشارات نوبل، ۱۳۵۴.
- سازمان برنامه و بودجه خوزستان. مطالعات جامع توسعه استان خوزستان، بخش دوم، جمعیت، جامعه روستایی و عمران روستایی، اهواز: ۱۳۷۱.
- مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵.
- مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. گونه‌شناسی مسکن روستایی خوزستان، وزارت مسکن و شهرسازی، نشریه شماره ۲۶، تهران: ۱۳۶۲.
- هینتس، والتر. دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱.

U.N.Development Programme, Haman Development Report, 1998, Oxford University press, 1998.

Wallace, W.L. "Haman Ecology" in: T. parsons amd shills, (ed), sociological Theory, Aldlin pub., Chicago, 1969.



A Study in Human Ecology and its Cultural, Economic, and Social Factors: An Introduction to Rural Typology in Khuzestan

Farhang Ershad. Aziz Hazbavi

Abstract

In this study, which is an attempt in the field of human ecology, the main aim is to find an even native development Perspective for the rural regions in Kouzestan Province. We think that such a Preparatory and Problem – Seeking studying, is essential efforts before sketching the relevant projects within an even development Perspective. As the opportunities, obstacles, and the needs of the different rural regions are not the Same (in kind and degree), it is not Possible to suggest a unique common Scenario for development of all the rural areas of the Province. Also, as the scientific and technological achievements have not been sufficiently diffused in the rural areas, So the natural and ecological factors have considerable impacts on the local Social lives of the People. Thus, it seems that recognition and discovering the Possibilities and the local needs (cultural and ecological), and the typology of the villages the Province are the Pre - requisite Preparation for formulation of the even development Plans.

Key Concept: human ecology, even development, typology, ecological conditions.